

گفت و گوی خراسان با زنی که را ز قتل شوهرش را فاش کرد

۱۷ سال سکوت زجرآور! اختصاصی خراسان

مادر شوهرم وقتی فهمید پای پسرش در میان است مرا از زندان آزاد کرد و...

هنوز نوزاد بودم که پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدندومن از زمانی که یادمی آیدنزد مادر بزرگم شوهرم را فاش کنم چرا که با یک طلاق صوری با قاتل شوهرم از دواج کرده بودم اما بیشتر از این نتوانستم تحمل کنم! هر بار که فرزندانم به فکر فرو می رفتند که پدرشان زنده است یا نه؟ عذاب وجدان در وجودم شعله ور می شد تا این که بالاخره ... به گزارش اختصاصی خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن جوانی است که ۱۷ سال قبل در ماجرای قتل هولناک همسرش نقش داشت ولی سال ها این را ز تکان دهنده را پنهان کرد تا با برادر شوهرش (قاتل) ازدواج کند. او که اکنون فرزند ی نیز از قاتل همسرش دارد صبح شنبه گذشته (هجدهم دی) به همراه عامل جنایت به خیابان محصل شمالی هدایت شده بود تا محل دفن شوهر سابقش را افشا کند.

این زن که احساس می کرد حالا بار سنگینی از دوشش بر داشته شده است در حالی که امدادگران ز حمتکش آتش نشانی مشغول حفر کف اتاق (محل دفن جسد) بودند به سوالات خبرنگار خراسان درباره این ماجرای وحشتناک و سر گذشت تلخ خود پاسخ داد.

یچنی در ۱۴ سالگی از روستا خارج شدی؟

بله! پدرم در مشهد از دواج کرده بود و با همسرش زندگی می کرد. من هم برای ادامه زندگی نزد پدرم آمدم اما کاش در همان روستا می ماندم!

چرا؟ چون نامادری ام مرا زجر کش می کرد آن قدر اذیت می شد که دوست داشتم با یک پیر مرد ۸۰ ساله از دواج کنم و به دنبال سر نوشت خودم بروم! او دوست نداشت من مزاحم زندگی اش باشم به همین دلیل هم با هر بهانه ای مرا آزار می داد.

چه مدتی نزد نامادری ات بودی؟ یک سال



آتش نشانان در پی بقایای جسد در حضور قاضی عارفی راد

بیشتر نبودم اما در همین مدت به اندازه چند سال زجر کشیدم.

بعد از دواج کردی؟ بله! ۱۵ ساله بودم که یکی از بستگان مادر تانثی پدرم را خواستگاری کرد.

او همان «محسن» (مقتول) بود.

مگر او را دوست نداشتی؟ او مردی پز خاشگر بود که از همان دوران نوجوانی یعنی ۱۲-۱۳ سالگی هم مادرش را تنک می زد. وقتی از دواج کر دیم مرا هم زیر مشتش و لگد می گرفت. اذیتم می کرد، سر کار نمی رفت و به دلیل همین بیکاری مدام پای بساط مواد مخدر بود و تریاک می کشید.

اما شما خانه داشتید و ...؟ نه! آن خانه را مادر شوهرم برای همسر خرید که در منطقه دروی بود

سید خلیل سجاد پور- ۱۷ سال زجر کشیدم اما مهر سکوت بر لب زد م! می ترسیدم را ز قتل شوهرم را فاش کنم چرا که با یک طلاق صوری با قاتل شوهرم از دواج کرده بودم اما بیشتر از این نتوانستم تحمل کنم! هر بار که فرزندانم به فکر فرو می رفتند که پدرشان زنده است یا نه؟ عذاب وجدان در وجودم شعله ور می شد تا این که بالاخره ... به گزارش اختصاصی خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن جوانی است که ۱۷ سال قبل در ماجرای قتل هولناک همسرش نقش داشت ولی سال ها این را ز تکان دهنده را پنهان کرد تا با برادر شوهرش (قاتل) ازدواج کند. او که اکنون فرزند ی نیز از قاتل همسرش دارد صبح شنبه گذشته (هجدهم دی) به همراه عامل جنایت به خیابان محصل شمالی هدایت شده بود تا محل دفن شوهر سابقش را افشا کند.

این زن که احساس می کرد حالا بار سنگینی از دوشش بر داشته شده است در حالی که امدادگران ز حمتکش آتش نشانی مشغول حفر کف اتاق (محل دفن جسد) بودند به سوالات خبرنگار خراسان درباره این ماجرای وحشتناک و سر گذشت تلخ خود پاسخ داد.



نامت چیست؟ «مرضیه-ر».

اهل کجایی؟ اهل روستای ... سبزوار هستم و آن جایزگ شدم.

اما نام آن روستا، فامیل همه اهالی و اجدادشان است؟ بله! فامیل من هم نام همان روستا بود ولی به دلیل نفرتی که در طول زندگی پیدا کردم فامیل خودم را به «ر» تغییر دادم.

چقدر سواد داری؟ تا کلاس دوم راهنمایی تحصیل کردم.

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ آن قدر زندگی آشفته ای داشتم که ترک تحصیل در برابر مشکلات من هیچ اهمیتی نداشت.

چرا؟ خانواده ات به تحصیل اهمیت نمی داد؟ من فرزند طلاق!

کوتاه از حوادث

***باشگاه خبرنگاران جوان/**اسرار هادیانفر رئیس پلیس راهور انتظامی کشور گفت: هر نیم ساعت یک نفر جان خود را در سوانح ترافیکی از دست می دهد.
***میزان/** اداره تصادفات پلیس راهور تهران از وقوع یک تصادف منجر به فوت عابر پیاده در خیابان دماوند و متواری شدن راننده خودرو از محل حادثه خبر داد.
***ایسنا/** در هشت ماه امسال ۶۶ هزار و ۴۸۹ نفر به دلیل آسیب های ناشی از نزاع به مرگ زیر شکنی قانونی تهران مر اجعه کرده اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۰/۸ درصد افزایش یافته است.
***مهر/** اسرار حسن مهری فرمانده یگان حفاظت وزارت میراث فرهنگی از دستگیری ۵ هزار قاچاقچی و حفر غیر مجاز در کشور و معرفی به مراجع قضایی طی امسال خبر داد.
توکلی/ پورامینایی فرمانده انتظامی کرمان از کشف پنج هزار قطعه لوازم خودرو به ارزش هشت میلیارد ریال در بازرسی از انبار احتکار کالا و لوازم خودرو توسط مأموران کلانتری بازار کرمان خبر داد.

جاساز ۲۹۲ کیلو گرم تریاک در نیشان تره بار لورفت

توکلی/ فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف یک محموله تریاک و دستگیری دو متهم در عملیات تکاوران پلیس خبر داد. به گزارش خراسان، سردار ناظری افزود: تکاوران ۱۱۳ راور با اقدامات اطلاعاتی از عبور محموله مواد مخدر از شهرهای جنوبی به مرکز کشور باخبر شدند. وی با اشاره به این که مأموران در پلیس راه ماهان به یک خودروی پژو ۴۰۵ که راه پاک کن مواد افیونی بود مشکوک شدند و آن را متوقف کردند، گفت: پس از چند دقیقه یک وانت نیشان نیز وارد پلیس راه شد و پس از توقف خودرو و در بازرسی از آن ۲۹۲ کیلو گرم تریاک از زیر بار تره بار کشف شد. در این عملیات دو متهم دستگیر شدند و دو خودرو نیز توقیف شد.

در امتداد تاریکی

ماجرای گوشواره دزدی از دختران خردسال!

زمانی که همسردوم متوجه اعتیاد شد خیلی زود کیفم را به دستم داد و از من جدا شد، بعد از این ماجرا وارد بانوق های خلافکاران شدم و برای تامین هزینه های اعتیادم تصمیم گرفتم طلاهای کودک ان را سرقت کنم و...

به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۳۲ ساله ای است که پس از سرقت گوشواره های دختر سه ساله را تر در مشهد دستگیر شد.

این زن جوان که توسط نیروهای گشت کلانتری سیاد مشهد به دام افتاده بود در حالی که از شدت خماری توان حرکت پلک هایش را هم نداشت در باره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: ۱۰ سال بیشتر نداشتم که پدرم در یک سانحه تصادف جان باخت و مادرم سرپرستی مرا به عهده گرفت. برای آن که آواره کوچ و خیابان نباشیم پدر بزرگ مادری ام خانه ای در اختیار ما گذاشت و مادرم نیز شب و روز تلاش می کرد تا با درآمد کارگری مخارج زندگی را تامین کند اما سه سال بعد وقتی مادرم نیز دچار ایست قلبی شد و از دنیا رفت تازه فهمیدم او به بیماری فشار خون و گرفتگی عروق قلب مبتلا بود اما بیماری اش را پنهان می کرد تا هزینه های پزشکی را نپردازد چرا که در آمدش کفاف هزینه های تحصیلی مرا هم نمی داد.

در این شرایط من ترک تحصیل کردم و عمه ام سرپرستی مرا پذیرفت اما هنوز چند ماه بیشتر از حضور در منزل عمه ام نمی گذشت که متوجه شدم او قصد دارد مرا به عقد پسرش در آورد دیگر نتوانستم این موضوع را تحمل کنم چرا که پسر عمه ام به بیماری شدید اعصاب و روان مبتلا بود و مدام به دلیل رفتارهای خطرناکش در بیمارستان بستری می شد این گونه بود که از خانه عمه ام گریختم و به منزل مجردی یکی از دوستان قدیمی مادرم رفتم که زنی مطلقه بود. آن جا با مواد مخدر آشنا شدم چرا که «کوکب خانم» با هر بهانه ای مانند سر در دوسر ماخوردگی مرانتشویق به استعمار مواد مخدر می کرد.

صبح هادریک فرسگناه مواد غذایی کار می کردم و شب ها را نیز در کنار کوکب خانم می گذراندم تا این که در محل کارم با یکی از مشتریان آشنا شدم و با او ارتباط برقرار کردم اگر چه به دلیل رفتارهای نامناسب مدتی بعد ناچار شدم با نعمت ازدواج کنم اما در حالی که کودک یک ساله ای را در انگوش داشتم متوجه شدم همسر من نه تنها به مواد مخدر صنعتی اعتیاد دارد بلکه ارتباط با زنان و دختران غریبه برای او امری طبیعی است چرا که مرا نیز با همین شیوه اغفال کرد. تحمل خیانت های نعمت بر ایم زجر آور بود و به همین دلیل همواره با هم در گیر می شدمیم تا جایی که به شدت مرا تنک می زد.

در این شرایط از نعمت طلاق گرفتم و سرپرستی دخترم را به مادر شوهرم سپردم. بعد از این ماجرا به خانه خاله ام رفتم تا در کنار او زندگی کنم چرا که شوهر خاله ام با تا زگی فوت کرده بود و او نیز از تنهایی رنج می برد. خلاصه در یک مانتو فروشی مشغول کار شدم تا حداقل سربار خاله ام نباشم ولی درآمد حتی کفاف هزینه های اعتیادم را هم نمی داد. با آن که طعم تلخ شکست و خیانت به دلیل ازدواج در پی آشنایی خیابانی را چشیده بودم اما باز هم با مرد دیگری آشنا شدم و با او ارتباط برقرار کردم به خاطر این که حشمت من فعال و آبرودار بود. با عهده خودم کردم اعتیادم را کنار بگذارم تا بعد از ازدواج با او مشکلی نداشته باشم ولی به اندازه ای در متجلباب مواد افیونی فروخته بودم که همه دست و پا زدن های بی فایده بود. بیماری های کلیه و کبد را بهانه و خودم را قانع کردم که اگر مواد مخدر مصرف نکنم جان خودم را از دست می دهم اما همه ای ها دروغ بودند و سوسه های شیطنانی استعمال موادر هایم نمی کرد.

در عین حال حشمت با من ازدواج کرد اما هنوز یک ماه بیشتر از تاریخ عقد موقت مان نگذشته بود که روزی مرا در حال مصرف مواد مخدر دید و بدون تامل طلاقم داد. حالا دیگر آواره کوچ و خیابان شده بودم به همین دلیل دوباره به بانوق های معتادان رفتم. دیگر نه توان کار کردن داشتم و نه آینده و زندگی برایم مهم بود فقط باید به هر طریق ممکن مخارج اعتیاد مرا تامین می کردم این بود که به سرقت طلاهای کودک ان روی آوردم. آخرین بار دختر سه ساله ای را در اطراف میدان خیام دیدم که با کودک ان دیگر مشغول بازی بود با تر فندی دختر بچه را سرگرم کردم و گوشواره هایش را از گوشش بیرون آوردم اما مأموران انتظامی متوجه شدند و مرا دستگیر کردند. در کلانتری فهمیدم که او و خانواده اش برای زیارت به مشهد آمده بودند و خدا هم این گونه مرا عجزان کرد.

گزارش خراسان حاکی است، تحقیقات گسترده نیروهای تجسس کلانتری برای کشف سرقت های دیگر این زن جوان با بصورت دستورات ویژه ای از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سیاد) ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

«محمد» قاتل ۴۰ ساله نیز که در زمان وقوع قتل حدود ۲۳ سال داشت درباره این جنایت وحشتناک به خبرنگار خراسان گفت: برادر بزرگم مردی شرور بود که همه را اذیت می کرد. او خودش مرا به این خانه (محل جنایت) آورد تا در این اتاق خیاطی کنم. من تا کلاس دوم ابتدایی بیشتر درس نخواندم و به دنبال هنر خیاطی رفتم. پیراهن من دانه می دوختم اما با برادرم به دلیل مشکلات مالی در گیر شدم و با چماقی که زیر میز خیاطی داشتم ابتدا ضربه ای به سرش کوبیدم که چوب شکست و بعد هم با دستانم گلویش را فشردم تا خفه شد. سپس جسد او را در همان خانه دفن کردم و همسرش را به عقد خودم در آوردم! البته هنگام درگیری او با قیچی خیاطی به سمت من حمله ور شد ولی نتوانست مرا بزند! فقط هنگامی که گلویش را گرفته بودم انگشتم را با دندان گاز گرفت که الان دیگر هیچ آثاری از آن زخم نمانده است.

چه شد که تصمیم به افشای این را ز تکان دهنده گرفتی؟ اگر چه از همان ابتدا عذاب وجدان داشتم اما وقتی فرزندانم بزرگ شدند مدام سراغ پدرشان را می گرفتند. به فکر فرو می رفتند و با خودشان می گفتند آیا پدرشان زنده است؟ آیا او در خارج از کشور زندگی می کند؟ ... این سوالات بر ایم تلخ بود. هر بار که اطرافیان نام «محسن» را بر زبان جاری می کردند انگار قلبم می ایستاد! من می دانستم او در کجا دفن شده است! ولی جرئت افشای آن را نداشتم. ۱۷ سال سکوت بر ایم خیلی در دناک و زجرآور بود تا این که بالاخره مجبور شدم همه چیز را در دفن های پلیسی برای کارآگاهان افشا کنم. **الان چه احساسی داری؟** راحت شدم! حداقل جسدش را از درون اتاق بیرون می آورند و خانواده اش می فهمند که پسرشان مرده است و خیال فرزندان من هم آسوده می شود!

گزارش خراسان حاکی است، در همین حال

سابقه خبر

بنا بر گزارش اختصاصی خراسان، صبح شنبه (هجدهم دی) کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه، مرد ۴۰ ساله ای را در منزل مسکونی اش دستگیر کردند که ۱۷ سال قبل برادرش را خیابان محصل شمالی مشهد به قتل رسانده و جسد او را در منزل محل وقوع جنایت دفن کرده بود.
عقربه های ساعت به ۹ صبح نزدیک می شد که قاضی «محمود عارفی راد» (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) وارد محل دفن جسد شد و دستور حفر کف اتاق را صادر کرد. در همین حال گروهی از امدادگران آتش نشانی پس از چندین ساعت جست و جو و حفر گودال بالاخره موفق شدند بقایای جسد را از زیر خروار ها خاک بیرون بکشند.

آتش سوزی در پتروشیمی شازند یک کشته و ۲ مصدوم به جا گذاشت

پتروشیمی شازند همچنین در حال بررسی راهکارهای پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع اتفاقات این چنینی است تا از تکرار این گونه حوادث تلخ پیشگیری شود.
گرچه خسارت مالی چندانی به این مجموعه عظیم تولیدی وارد نشده و وسعت حادثه خیلی بزرگ نیست و بزرگ ترین خسارت، فوت یکی از کارکنان بوده است.

مدیر کل مدیریت بحران استانداری مر کزی گفت: آتش سوزی پتروشیمی شازند هیچ خللی در فعالیت تولیدی این مجموعه ایجاد کرده است و باتمام توان و ظرفیت در مدار تولید قرار دارد.

است، اظهار کرد: خوشبختانه با تلاش کارکنان پتروشیمی حریق در همان ساعت اولیه مهار و اطفا شد و نیازی به اعزام نیروهای امدادی و آتش نشانی نبوده است.

وی افزود: در این حادثه یک نفر از کارکنان مجموعه جان خود را از دست داد و دو نفر نیز مصدوم شدند و طبق آخرین اطلاعات، رسیده یکی

از مصدومان صبح دیروز از بیمارستان ترخیص شد

و مصدوم دوم با سوختگی حدودا ۴۰ درصدی

تحت درمان است.

وی خاطر نشان کرد: کمیته مدیریت بحران

مدیر کل مدیریت بحران استانداری مر کزی گفت:

وقوع آتش سوزی در پتروشیمی شازند یک کشته و دو مصدوم به جا گذاشت و حریق مهار شده است. حمید غیائی در گفت وگو با ایسنا، در خصوص جزئیات آتش سوزی دوشنبه شب گذشته پتروشیمی شازند، افزود: آتش سوزی در یک مخزن سبک به سبب نشتی که داشته اتفاق افتاده و خسارت مالی چندانی وارد نشده است؛ و در واقع بزرگ ترین خسارت و حادثه تلخ این سانحه جان باختن یکی از کارکنان و مجروح شدن دو نفر دیگر در این مجموعه بود که هنگام بر طرف کردن نشتی

مدیر کل مدیریت بحران استانداری مر کزی با اشاره به این که علت اصلی و دقیق وقوع این حادثه به میزان خسارت وارد شده از سوی کمیته مدیریت بحران پتروشیمی شازند در دست بررسی

ورفع نقص دچار حادثه شدند. وی ادامه داد: تمیز کاری صافی پمپ ورودی و تخلیه مخزن یکی از کارهایروتین و همیشگی برای انتقال گازها و مایعات به مشعل اصلی مجتمع پتروشیمی است که متأسفانه هنگام انجام این کار و بر اثر نشتی، این حادثه مر گبار اتفاق افتاده است.

مدیر کل مدیریت بحران استانداری مر کزی با اشاره به این که علت اصلی و دقیق وقوع این حادثه به میزان خسارت وارد شده از سوی کمیته مدیریت بحران پتروشیمی شازند در دست بررسی و رفع نقص دچار حادثه شدند. وی ادامه داد: تمیز کاری صافی پمپ ورودی و تخلیه مخزن یکی از کارهایروتین و همیشگی برای انتقال گازها و مایعات به مشعل اصلی مجتمع پتروشیمی است که متأسفانه هنگام انجام این کار و بر اثر نشتی، این حادثه مر گبار اتفاق افتاده است.

مدیر کل مدیریت بحران استانداری مر کزی با اشاره به این که علت اصلی و دقیق وقوع این حادثه به میزان خسارت وارد شده از سوی کمیته مدیریت بحران پتروشیمی شازند در دست بررسی و رفع نقص دچار حادثه شدند. وی ادامه داد: تمیز کاری صافی پمپ ورودی و تخلیه مخزن یکی از کارهایروتین و همیشگی برای انتقال گازها و مایعات به مشعل اصلی مجتمع پتروشیمی است که متأسفانه هنگام انجام این کار و بر اثر نشتی، این حادثه مر گبار اتفاق افتاده است.

جنایت شبانه

پسر جوان گفت: شب حادثه به همراه وحید، اشکان و دونفر از دوستانمان در گازآز دور هم

فرار از کشور پس از قتل در دورهمی شبانه

اما از جسد وحید خبری نبود. با این احتمال که جسد توسط مأموران شهرستان محل حادثه کشف شده باشد، استعلام انجام شد و مأموران دریافتند جسد پسر جوانی چندروز قبل داخل کانال آبور در نزدیکی محل حادثه عسکری شده است. با توجه به کشف جسد ناشناس از خانواده وحید خواسته شد برای شناسایی به پزشکی قانونی بروند و آن ها در پزشکی قانونی، هویت پسرشان را شناسایی کردند. به دستور باز پرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت، مأموران برای دستگیری اشکان وارد عمل شدند و در بررسی ها مشخص شد که پسر جوان همزمان با این جنایت مخفیانه از کشور خارج شده است. تحقیقات برای دستگیری دیگر افرادی که در این پرونده نقش دارند در حالی ادامه دارد که پرونده برای ادامه تحقیقات به دادسرای محل وقوع جرم راجع شد.

جسدی در کانال

به دنبال اظهارات مراد، بلافاصله تیم تحقیق راهی محل شدند و در بررسی های انجام شده با بساط شبانه آن ها در محل مواجه شدند